پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره اول- سال دوم دوشنبه ۴ حمل ۱۳۴۸- ۲۴ مارچ ۶۹ (شماره مسلسل ۵۳)

جریان دموکراتیک خلق افغانستان

عید باستانی نوروز را تبریک می‌گوید

به شما هموطنانی که با عرق جبین و آبله‌های دست، با کار توان‌فرسا، با تحمل محرومیت‌ها و رنج‌ها، با گرسنگی‌ها و بی‌خوابی‌های متداوم، گردونه زندگی را در سنگلاخ دشواری‌های عظیم شرایط کشور به‌پیش می‌رانی! سال نو، سال جوشان مبارزات، سال تلاش برای احراز سنگرهای جدید، سال پیشروی کارگران و دهقانان و جوانان را تبریک و تهنیت می‌گوییم.

باید عید باستانی نوروز را به‌مثابه سال دیگر رشد نبرد خلق ما در راه شکستن زنجیرها، در راه سرنگونی ارتجاع و فیودالیزم، در راه به زانو درآوردن استبداد، در راه به هم پیوستن نیروهای دموکراتیک و ملی ترقی‌خواه و وطن‌پرست، در راه تعمیم دموکراسی و تحصیل آزادی‌های زحمتکشان، در راه طرد نفوذ استعماری و امپریالیزم و بالاخره در راه ایجاد یک افغانستان مستقل، نوین، مترقی و نیرومند استقبال کنیم.

باید از پروازهای ابرپاره‌های آزاد، از درخشیدن نور در برف‌های ارتفاعات هندوکش، از غرش دریاها در سراشیب دره‌ها، از شگفتن گل‌های وحشی در بیابان‌های سر سبز، از آسمان صاف، از نسیم روح بخش، از شگوفه‌ها و سبزه‌ها که چون امواجی از الوان در یکدیگر می‌غلتند، روح امید، روح زندگی و روح پیکار گرفت و از آن وجود خود را لبریز نمود و بالاخره این جان جوشان از زندگی و نیرو را چون موج تسخیر ناپذیری با دریای پرتلاطم و بی‌پایان خلق پیوند داد و آن را در راه ایشان فدا کرد.

پښتو متن

زمونږ اتکا پر خلکو ده

ژوندی دی وی د افغانستان خلک!

د افغانستان د خلک دموکراتیک قوت باید د امپریالیستی جاسوسی سازمانونو دسیسو او توطیو په مقابل کی وښیار وی!

د بین‌المللی امپریالیزم د جاسوسی سازمانونو،بیا په تیره دامریکی د (سی. آی. ای) جاسوسی سازمان یوه ډیر کرغیړنه او خیرنه وظیفه ددا خلی ارتجاعی په مرسته داده: دپرو کاتورو (فتنه اچونکو) ډلو تشکیل په اصلیو ملی او اجتماعی ازدی بخشونکو نهضتونو کی دنفاق. اچونکو »رهبرانو «را پیدا کول.

دیوه افغان له خواه دامریکایی د جاسوسی سازمان (سیا) بر بنډلو او زمونږ د هیواد په داخلی چاروکی ددی جاسوسی سازمان لاس وهلو، په افغانستان او نورو هیوادونوکی دامپریالیزم بښکاره مداخله وښو ده چه دافغانستان ملی، دموکراتیک او ترقی غوشتونکی وطنپال قومونه یی سخت ولرزول او د (سی، آی، ای) د توطیی او دسیسو پر ضد یی دافغانستان دازاد ملت مقدسه غصه او شدید نفرت را وپاراوه. مگر په افسوس باید ویل شی چه له دی پیښی سره جوخت دافغانستان دخلک دموکراتیک جریان پر ضد د (سی.آی.ای) پلان شوی او تفرقه اچونکی دسیسه ددا خلی **نوبه مرسته دا بښکاره شوه.

له هغی نیتی نه تر اوسه پوری چه رابر دو کاله تیریږی، د (سی.آی.ای) دجاسوسی سازمان او حاکمه ارتجاعی محافلو ددستور او توطیو پر بنا، دافغانستان دخلک دموکراتیک قوت او دهغه دافکارو دخپرونکی پرچم پر ضد چه له نوموړی نوی تیپ سازمان سره نه شلیلونکی ارتباط لری، تخریبی او لمسونکی فعالیتونه روان دی. دا فعالیتونه منجمله دیوه ناچیزه فتنه اچونکی او نفاق غور ځونکی اقلیت په وجود کی چه ځو ارخیزه رول لوبوی، دوام لری. مگر زیات اسناد نه انکاریدونکی شواهد او حقایق دا حقیقت ځرګندوی چه دافغانستان دخلک دموکراتیک قوت ستر اکثریت، د افغانستان د کارګری طبقی د اتر مختلونکی سیاسی سازمان لکه غر ولاړ او پایدار دی، په هلو ځلوکرم دی، ژوندی او پیاوړی دی. زړ ورە مبارزه کوی. وده او تکامل مومی او دعلمی نړی لید تر پرچم لاندی پخپله عادلانه جګړه کی دارتجاع او امپر یالیزم پر ضد مخ په وړاندی ځی.

دا چه ځینی عناصر د (سیا) د امپریالیستی جاسوسی سازمان او داخلی ارتجاع په ارتباط کی کله په بښکاره او مخامخ او کله په پټه توګه دافغانستان دخلک دموکراتیک جریان یعنی ددی وطن‌پرست مترقی او انقلابی سازمان او دهغه دخلکو دپرچم پر ضد، دکنځلو او دروغو ډکو خپرونو او زهر چنو تبلیغاتو په وسیله، مبارزه کوی. او دخلقی او طبقاتی مبارزی نقاب پر مخ اچوی. دا دارتجاع او امپریالیزم پدیدی دی چه غواړی دافغانستان دخلک ددموکراتیک قوت ستر اصولی اکثریت له ماتی سره مخامخ کیږی. له همدی کبله باید دی نفاق اچونکی او مکار امپریالیستی تاکتیک ته جدی پامرنه وشی.

تولو صدیقو، ملی، دموکراتیکو عناصرو او درستو وطنپالو ترقی غوښتنکو ن دفغانستان دخلک دموکراتیک قوت د «وښیار اوسه!» داده چه په دقت، واقع‌بینی، او بیداری د (سی.آی.ای) د اجنټانو نفاق اچونکی هلی ځلی تر نظر لاندی ونیسی او خبردار اوسی چه امپریالیستی ارتجاع دجاسوسی سازمانونو ګوډالیان په دسیسه او حیله د «خلق او دکارګر دطبقی دسیاسی جریان »د تظاهر په نقاب کی دافغانستان خلک موکراتیک اصیل قوت د ځپلو لپاره او د ملی او دموکرتیکو قومونو تر مینځ د بیلتون دپیدا کولو په منظور صحنی ته راونلی دی او غواړی چه زمونږ په هیواد ملی او اجتماعی آزادی بخشونکی نهضت په لارهکی، د کارګر دطبقی دسازمان ویارجنی ودی په لارکی ډیری واچوی. دوی جسارت او بی‌شرمی دی اندازی ته رسولی ده چه ارتجاع او امپریالیزم په نمایندگی دافغانستان دخلک ددموکراتیک قوت دانقلابی هویت د بدلون «فرمان» صادر کاندی. دا کار ځومره خندیی او مضحک دی، دا نو سمه دمه شارلتانی او چټیات ویل دی.

باید پاملرنه وش کله چه نهضت اوج نیسی او ملی او مترقی قومونه یوپل ته نیږدی کیږی بیا په تیره په داسی اوضاع او احوالوکی چه دافغانستان

(دوهم مخ)

متن دری

اتکاء ما به خلق است

زنده باد خلق افغانستان!

نیروی دموکراتیک خلق افغانستان باید در برابر دسایس و توطیه‌های سازمان‌های جاسوسی امپریالیزم هوشیار باشد.

یکی از سیاه‌ترین و بی‌شرمانه‌ترین وظایف سازمان‌های جاسوسی امپریالیزم بین‌المللی، مخصوصاً سازمان جاسوسی امریکا سی.ای. ای به همدستی ارتجاع داخلی عبارت است از تشکیل گروه‌های پرووکاتور (فتنه انگیز) ایجاد رهبران نفاق افگن در نهضت‌های اصیل رهایی بخش ملی و اجتماعی.

افشای سازمان جاسوسی امریکا (سیا) از طرف یک افغان در امریکا و مداخله این سازمان جاسوسی در امور داخلی کشور ما نشان‌دهنده واضح مداخله امپریالیزم در افغانستان و سایر کشورها بود که نیروهای ملی دموکراتیک و ترقی خواه وطن‌پرست افغانستان را سخت تکان داد و خشم مقدس و نفرت شدید ملت آزاده افغانستان را علیه توطیه و دسایس سازمان سی.ای. ای برانگیخت. ولی با تأسف باید یادآور شد که همزمان با آن دسیسه پلان شده و تفرقه انگیز سازمان سیا به همدستی اجنت‌های داخلی آن علیه جریان و دموکراتیک خلق افغانستان نیز آشکار گردید.

از آن تاریخ تا کنون که درست دو سال می‌گذرد، بنا بر دستور و توطیه‌های سازمان جاسوسی سی.ای. ای و محافل حاکمه ارتجاعی فعالیت‌های تخریبی و تحریک آمیز بر ضد نیروی دموکراتیک خلق افغانستان و ناشر اندیشه‌های آن پرچم، منجمله در وجود گروه اقلیت ناچیز پرووکاتور نفاق افگن که نقش چندین جانبه را ایفا می‌کنند، ادامه دارد. ولی اسناد فراوان شواهد و حقایق انکار ناپذیر بیانگر این حقیقت است که جریان اکثریت بزرگ نیروی دموکراتیک خلق افغانستان، این سازمان سیاسی پیش‌آهنگ طبقه کارگر افغانستان چون صخره استوار و پایدار است گرم فعالیت است، زنده و نیرومند است ۲ شجاعانه می‌رزمد، رشد و تکامل می‌یابد و تحت پرچم جهان‌بینی علمی در نبرد عادلانه خویش علیه ارتجاع و امپریالیزم به‌پیش می‌رود.

اینکه عناصر در ارتباط با سازمان جاسوسی امپریالیستی سیا و ارتجاع داخلی زمانی آشکارا و از مقابل و زمانی در خفا با پخش نشریه و تبلیغات زهرآگین و پر از دشنام و دروغ علیه جریان دموکراتیک خلق افغانستان، این سازمان وطن‌پرست مترقی و انقلابی و پرچم خلق آن، مبارزه می‌کنند و نقاب مبارزه طبقاتی و خلقی را بر چهره خود می‌زنند از پدیده‌های ارتجاع و امپریالیزم است که می‌خواهد نیروی اصولی و اکثریت بزرگ دموکراتیک خلق افغانستان را با شکست روبرو سازد. از اینجاست که باید با این تاکتیک نفاق افگنانه و خدعه گرانه امپریالیستی جدا توجه کرد.

هوشیار باش نیروی دموکراتیک خلق افغانستان به همه عناصر و نیروهای صدیق ملی، دموکراتیک، به تمام ترقی‌خواهان وطن‌پرست این است که با دقت، واقع‌بینی و آگاهانه فعالیت‌های نفاق‌افکنانه اجنت‌های سی.ای. ای را بررسی نمایند و بر حذر باشند که عمال سازمان‌های جاسوسی ارتجاع امپریالیستی با دسیسه و حیله در نقاب تظاهر به خلق و جریان سیاسی طبقه کارگر برای سرکوبی نیروی اصیل دموکراتیک خلق افغانستان برای ایجاد افتراق میان قدرت‌های ملی دموکراتیک روی صحنه ظاهر گردیده‌اند و می‌خواهند در این جنبش رهایی بخش ملی و اجتماعی کشور ما در راه رشد پر افتخار سازمان طبقه کارگر سنگ اندازی کنند و حتی جسارت و بی‌شرمی را به میزانی رسانیده‌اند که به نمایندگی از ارتجاع و امپریالیزم دستور تغیر هویت انقلابی نیروی دموکراتیک خلق افغانستان را صادر می‌نمایند. مضحک و خنده آور است، صاف و ساده شارلتانی و هذیان گویی است.

باید در نظر داشت هر وقتی‌که نهضت اوج می‌گیرد و قدرت‌های ملی و

(ص ۲)

خلق را تهنیت گوییم، ایجادگران زندگی را، قهرمانان گمنام را، زحمتکشان را، کارگران را: این سرداران بزرگ بشریت را، توده‌های عظیم دهقانان – این زحمتکشان زمین شکن بیابان‌ها و وادی‌ها را.

درود گرم بر سال نو، بر سال پیکارها، بر سال پیشرفت‌ها، بر سال امیدها، بر سال رشد مبارزه و نهضت نجات‌بخش، بر سال پیروزی نیروهای صلح، آزادی و ترقی اجتماعی در جهان، بر سال پیشرفت به‌سوی مجهولات کیهان و سال شکست ارتجاع و امپریالیزم!

۱۳۴۷

سال اعتصابات و تظاهرات

سالی که گذشت، سال اوج نهضت مبارزات افتخارآمیز زحمتکشان کشور بود. کارگران، جوانان و پیشه‌وران و حتی روستاییان برای تأمین حقوق، خواست‌ها و مطالبات صنفی و اقتصادی و سیاسی خود دلیرانه مبارزه کردند. کارگران پیشتاز ما، در پیکار پرافتخار خویش استواری، مقاومت و هشیاری کم نظیری از خود نشان دادند. امواج نیرومندی از اعتصابات و تظاهرات عظیم، میتینگ‌ها و اجتماعات پرشکوه، مارش‌ها و راهپیمایی‌های ظفرنمون به پا خاست که نموداری از بیداری و ارتقای شعور سیاسی و اجتماعی خلق وطن و به‌خصوص طبقه جوان کارگر و رزمندگان جوان کشور ما به شمار می‌رود.

نیروی دموکراتیک خلق افغانستان چه از طریق ارگان نشراتی خود پرچم، چه از پشت تریبون پارلمانی و چه خارج از آن، چه در عمل و چه در نظر با درک رسالت عظیم تاریخی خویش و وقف وفاداری به آرمان‌های والای خلق کارگر به‌مثابه سازمان سیاسی پیش‌آهنگ طبقه کارگر افغانستان در یک صف با دیگر عناصر و گروه‌های صدیق ملی و مترقی در نهضت اعتصابی و تظاهرات اخیر کارگری و روشنفکری نقش پیش‌آهنگی و اصولی خود را به‌درستی انجام داد.

پرچم ناشر اندیشه‌های دموکراتیک خلق افغانستان، در جریان سالی که گذشت از موقف و مطالبات عادلانه خلق کارگر کشور به‌طور جدی و پیگیر دفاع کرده است. در صفحات خود تفصیل و چگونه‌گی اخبار مربوط به این مبارزات را با مد و جزرها و پیچ و خم‌های آن، با پیروزی‌های نسبی و شکست‌های مؤقتی و تجارب ناشی از آن، وسیعاً انعکاس داده است؛ دسایس و توطیه‌ها و اعمال ضد قانونی، ضد دموکراتیک و ضد خلقی مقامات حاکمهٔ ارتجاعی را افشأ کرده است.

به‌منظور یادآوری از قهرمانی‌های پیکارگران دلیر، درین جا فقط فهرستی از اعتصابات و تظاهرات سال ۱۳۴۷ را به حیث مهم‌ترین رویدادهای سال که الهام دهندهٔ مبارزات رهایی‌بخش آینده ماست، تقدیم می‌نماییم:

در ماه حمل:

۱- اعتصاب و مظاهره شاگردان بنوونځی تخنیک ثانوی در کابل.

۲- اعتصاب شاگردان بنوونځی میخانیکی کابل.

در ماه ثور:

۳- تظاهرات عظیم و پرشکوه کارگران به خاطر تجلیل روز اول می – روز بین‌المللی کارگران.

۴- اعتصاب کارگران کارخانجات جنگلک.

۵- اعتصاب و مظاهره کارگران فابریک نساجی گلبهار.

۶- اعتصاب دکانداران شهر کندهار.

۷- مارش ظفرنمون کارگران تفحصات پترول شبرغان.

۸- تظاهرات شاگردان لیسه ابن یمین و شهر شبرغان.

۹- تظاهرات شاگردان بنوونځی تخنیک ثانوی.

۱۰- تظاهرات کارگران، دهقانان و شاگردان لیسه میر مسجدی در ولایت کاپیسا.

۱۲- اعتصابات و تظاهرات کارگران کارخانجات جنگلک.

۱۲- مظاهرات شاگردان بنوونځی‌های ثانوی، میخانیکی کابل و مکتب صنایع کابل.

در ماه جوزا:

۱۳- تظاهرات کارگران فابریکه خانه سازی در کابل.

۱۴- تظاهرات شاگردان بنوونځی‌های میخانیکی، صنایع و نرسنگ کابل.

۱۵- اجتماع شاگردان بنوونځی رخه پنجشیر.

۱۶- اعتصاب کارگران مطابع دولتی کابل.

۱۷- مظاهرات شاگردان بنوونځی ابو داؤد سجستانی ولایت نیمروز.

۱۸- اعتصاب کارگران فابریکه‌های پشمینه بافی و پلچرخی و بایسکل سازی کابل.

(ص ۳)

بارق شفیعی

برگزاری به‌اصطلاح «هفته اسراییل»

در آلمان غرب

همکاری بین جمهوریت فدرالی آلمان و اسراییل

. در اوضاع و احوال کنونی جهان که بدون شک عصر اضمحلال امپریالیزم و شگوفانی مبارزات بی‌امان خلق‌های آسیا، افریقا و امریکای لاتین برای احراز استقلال ملی، آزادی، دموکراسی و تأمین صلح و رفاه عمویست، چهره جهنمی اهرمن امپریالیستی از پشت پرده تیرهٔ هر حادثه‌یی که در برابر این ارزش‌های انسانی و رهایی بخش معاصر قرار می‌گیرد، به نحو وحشت آوری ظاهر می‌گردد.

یکی از مظاهر این چهره دژخیمی، جولانگاه حوادث وخیم و تحریک آمیزیست که علیه کشورهای جوان عربی، به دست گماشته‌گان حلقه به گوش امپریالیزم جهانی (صهیونیان) راه می‌افتد و از طرف آنان تأیید، تقویت و پشتیبانی می‌شود تا باشد که هستی رشد یابندهٔ دولت‌های ملی و مترقی این کشورها را که یوغ ننگین برده‌گی و زنجیر سنگین و پلید امپریالیزم را شجاعانه به دور افگنده و از هم دریده اند، از پا درآورند و دوباره زمینهٔ غارتگری‌های ددمنشانهٔ خویش را درین کشورها مساعد سازند و بساط چپاولگری‌های وحشیانهٔ خود را هموار نمایند.

اوضاع بحرانی و در حال انفجار شرق میانه، یکی از مثال‌های زندهٔ تجاوز توطیه گران امپریالیزم به‌حق حاکمیت و ارادهٔ مستقل خلق‌های عرب برای پیروزی رسانیدن انقلابات رهایی‌بخش ملی و اجتماعی است؛ زیرا امپریالیزم جهانی به‌خوبی می‌داند که دوام این مبارزهٔ کشورهای عربی شرق میانه، بزرگترین منابع نفتی و بهترین موقعیت سوق‌الجیشی را از کام او برون می‌کشد، بنا بر آن چون اهریمنی ویرانگر و فتنه‌انگیز در روح ناپاک و متجاوز صیهونیان اسراییلی و

(ص ۲)

مبحثی از تیوری علمی:

ضرورت مبارزه با اپورتونیزم راست و چپ

بورژوازی ارتجاعی هرگز از تلاش‌های خود برای منفجر ساختن جنبش مترقی از داخل بازنمانده است و در پی آنست که با استفاده از اختلافات درون حزبی برای تأمین اهداف خویش استفاده نماید و نظریات اپورتونیستی را در میان اعضای (از لحاظ سیاسی) نااستوار پخش کند. حزب رشد می‌یابد و صفوف آن نه‌تنها به‌وسیله کارگران پیشرو، بلکه به‌وسیلهٔ کسانی که هنوز پختگی کافی سیاسی ندارند، افزایش می‌یابد که درین جمله غالباً عناصری از اقشار متوسط قرار می‌گیرند که به‌طور ارادی و یا غیر آن تمایلات اپورتونیستی را در احزاب با خود می‌آورند، بدین‌جهت همیشه امکانات آن وجود دارد که نظریات مختلف اپورتونیستی اعم از راست و چپ، دلسردی و افسردگی و عدم اعتقاد به پیروزی که خصلت‌های بورژوازی و خرده بورژوازی است، در احزاب طراز نوین طبقه کارگر نفوذ نماید و به همین دلیل است که مبارزه برای پاکیزه نگه‌داشتن اصول جهان‌بینش علمی قانون تغییر ناپذیر موجودیت و تکامل احزاب مترقی و کارگری می‌باشد.

خطر رویزیونیزم

با رشد مبارزه طبقهٔ کارگر، ایدیولوژی بورژوازی رنگ و شیوهٔ خود را تغییر می‌دهد. در ابتدا که با شیوه‌های خشن می‌کوشید درستی و صحت سرمایه‌داری را اثبات نماید، اکنون با متودهای ظریفتر از سرمایه‌داری دفاع می‌کند؛ اما این امر ماهیت ایدیولوژی بورژوازی را تغییر نمی‌دهد، زیرا هر شکلی را که به خود بگیرد، همیشه هدف اپورتونیزم این است که (به‌طور آشکارا و یا به طریق فریبنده) طبقهٔ کارگر را با سرمایه‌داری آشتی دهد و جنبش کارگری را تابع منافع طبقات حاکمه سازد. رویزیونیست‌ها تلاش می‌ورزند که تیوری علمی مترقی، جهان‌بینی انقلاب طبقهٔ کارگر را مورد تجدید قرار دهد.

باید خاطرنشان ساخت که رویزیونیزم «یکی از عمده‌ترین مظاهر نفوذ بورژوازی بر کارگران »می‌باشد.

ایدیولوگ‌های رویزیونیستی کوشش می‌نمایند که تمام تزهای تیوری علمی را مورد «تجدید نظر »قرار دهند یا دقیق‌تر بگوییم آن‌ها را تحریک کنند. رویزیونیست‌ها همواره تحریف آموزش‌های خلاق را در بارهٔ حزب یکی از اهداف عمدهٔ خود قرار می‌دهند. مجاهدات تیوریکی و عملی رویزیونیست‌ها در آخرین تحلیل به معنی انحلال حزب یا تغییر ماهیت آن به یک سازمان رفورمیستی می‌باشد.

اکنون رویزیونیست‌ها آشکارا از انحلال حزب دفاع نمی‌نمایند، بلکه در تحت بهانه توسعه دموکراسی داخل حزبی زمینه را برای از بین رفتن انضباط حزبی، عدم تبعیت اقلیت از فیصله‌های اکثریت و ایجاد گروه‌بندی‌ها در داخل حزب آماده می‌سازند که این امر به معنی از بین بردن وحدت عمل حزب و تبدیل آن به صحنهٔ مبارزه بین گروه‌بندی‌های مختلف است.

رویزیونیست‌ها مخالفت واقعی خود را با اول جهان‌بینی علمی، با ارایه این حقیقت که آموزش مترقی خود تعویض قضایای کهنه را توسط قضایای جدید پیش‌بینی کرده است، پنهان می‌نمایند، اما تعویض تزهای غیر مستعمل توسط پیشنهادات و طرح‌های خلاق جدید مترقی هیچ وجه مشترکی با فسخ یا تحریف اصول اساسی جهان‌بینی علمی که روح اساسی این آموزش انقلابی را تشکیل می‌دهد، ندارد. طبیعی است که احزاب مترقی مبارزه علیه رویزنیزم را در تمام موارد، به شمول، مسایل سازمانی و حزبی به حیث یکی از وظایف خیلی مهم و دایمی خود می‌دانند.

رویزیونیست‌ها می‌کوشند تا انقلاب سوسیالیستی و سلطهٔ زحمتکشان، ساختمان سوسیالیزم و مرحلهٔ متکامل بعدی آن را انکار و تضادهای آشتی ناپذیر سرمایه‌داری را ماست مالی کنند. آن‌ها مدعی‌اند که پدیده‌های جدید واقعیت سرمایه‌داری معاصر با ارتباط به رشد سرمایه‌داری انحصاری دولتی، با ملی کردن سرمایه‌داری و کوشش دولت بورژوازی برای تنظیم رشد اقتصادی، نشانه‌هایی‌ست مبنی بر تغییر اساس و مبنای سرمایه‌داری که گویا سرمایه‌داری به سوسیالیزم نزدیکتر می‌شود و به‌سوی سوسیالیزم «می‌خیزد.»

این استدلال که سرمایه‌داری کنونی به‌طور خود به خودی به سوسیالیزم تکامل می‌نماید، واضحاً انکار از اصول اساسی جهان‌بینی علمی می‌باشد. تمام انکشافات در سرمایه‌داری معاصر متذکره بالا اساس سرمایه‌داری مالکیت خصوصی و استثماری – را متأثر نمی‌سازد ماهیت سرمایه‌داری تغییر نیافته باقی مانده است و تنها از طریق یک انقلاب سوسیالیستی و سلطهٔ زحمت کشان به سوسیالیزم انتقال خواهد یافت.

دگماتیزم و سکتاریزم

موجب تجرید از توده‌ها می‌گردد:

احزاب مترقی نه تنها مجبورند که علیه اپورتونیزم راست، رویزیونیزم بلکه علیه اپورتونیزم چپ، دگماتیزم و سکتاریزم نیز مبارزه نمایند، در واقع دگماتیست‌ها که خود را بسیار «چپ» و انقلابی نشان می‌دهند، موجب تضعیف جنبش و حزب می‌گردند.

اساس سکتاریزم را برخورد دگماتیک (جزمی) نسبت به مسایل تیوریکی و فورمول‌ها تشکیل می‌دهد. چنانچه به جای مطالعه زنده‌گی حقیقی، دگماتیست‌ها از روی طرح‌های قبلی حرکت می‌نمایند و هرگاه حقایق با این طرح‌های قبلی سازگاری نداشته باشد، اصلاً حقایق را نادیده می‌گیرند.

دگماتیزم به معنی از دست دادن تماس با واقعیت است و اگر حرب با دگماتیزم مبارزه نکند به گروهی بدون ارتباط با زنده‌گی مبدل می‌گردد.

کوشش برای چسپیدن به دیروز، به پالیسی‌ها و اشکال سازمانی که بیش ازین با تغییر شرایط مطابقت نمی‌کند، در حقیقت به معنی «پالیسی‌های بیهوده‌گی انقلابی» است، عمل و تجربه تمام احزاب مترقی صحت این نتیجه‌گیری خلاق را با مثال‌های زیادی تأیید کرده است.

ماهیت سکتاریزم در تجرید از توده‌ها، ناکامی در امر بهره‌گیری از فرصت‌های مناسب برای کار انقلابی و طفره رفتن از مسایل حیاتی که خود زنده‌گی پیش پا می‌نهد، ظاهر می‌گردد، در حالی که رویزیونیزم راست در پی آشتی حزب با سرمایه‌داری است، رویزیونیزم چپ، دگماتیزم جنبش و حزب را از ارتباط با توده‌های محروم می‌سازد که بدون آن ناممکن است مبارزه پیروزمندانه‌یی را علیه سرمایه‌داری انجام داد. بنا بر آن لازم است که علیه دگماتیزم با تمام مظاهر آن مبارزه کرد، چه جنبش و حزب را بدون آن نمی‌توان استحکام بخشید.

در مسایل حیات حزبی سکتاریست‌ها در پی آن‌اند که دموکراسی حزبی و رهبری دسته‌جمعی را کاملاً بی‌اهمیت جلوه دهند. همه چیز را متمرکز سازند، انضباط آگاهانهٔ حزبی را به انضباط میکانیکی بر مبنای تهدید و فشار مبدل گردانند و حالات اضطرار را مصنوعاً ایجاد کنند. باید خاطر نشان ساخت که دگماتیزم و سکتاریزم از کیش شخصیت که با اصول جهان‌بینی علمی مغایرت دارد، جدا نیست.

دگماتیزم و سکتاریزم با تحریف دوکتورین خلاق علمی حزب، موجب آن می‌گردد که حزب مشخصات عمدهٔ خود را به‌مثابهٔ یک سازمان رزمنده و مستقل در عمل با ارتباط عمیق و نزدیک با توده‌ها، از دست بدهد.

در اعلامیه ۱۹۶۰ جداً خاطر نشان می‌گردد که دگماتیزم و سکتاریزم حزب را محکوم به «انتظار عبث و غیرفعال در برابر حوادث یا حرکات چپروانه و ماجراجویانه در مبارزهٔ انقلابی» می‌سازد.

دگماتیست‌ها و سکتاریست‌ها در مورد انقلاب به‌طور ذهنی حرف می‌زنند، علاوتاً آن‌ها خود را انقلابیون واقعی نشان می‌دهد و امحای فوری سرمایه‌داری را با یک «جنگ انقلابی» تأکید می‌نمایند. آن‌ها در پی آن‌اند که رشد انقلابی جهانی را به‌وسیله نیروی سلاح به‌پیش ببرند. سوسیالیزم را از خارج، بدون در نظر گرفتن شرایط، بالای ملل تحمیل کنند.

دگماتیزم نمی‌تواند و نمی‌خواهد (بنا بر وقف کورکورانه به نقل قول‌های کهنه) وضع مشخص و تغییراتی را که در جهان پدید آمده است؛ در نظر بگیرد. عدم توانایی در تحلیل، در تشخیص و در ارزیابی وضع جدید و فورمولبندی تاکتیک‌ها بر طبق این وضع، مشخصهٔ تمام انواع اپورتونیزم از رویزیونیزم تا دگماتیزم است. رویزیونیست‌ها مخالف انقلاب سوسیالیستی هستند، دگماتیست‌ها برای یک «انقلاب جهانی» فوری نعره می‌زنند که خواه آن‌ها بخواهند و یا نخواهند به‌طور اجتناب ناپذیر به امر انقلاب لطمه وارد می‌آورند. دگماتیست‌ها و رویزیونیست‌ها هر دو آب به آسیاب بورژوازی می‌ریزند و ثابت می‌گردد که رویزیونیزم و دگماتیزم دو روی یک سکه‌اند. «انحراف از مشی اصل مترقی به «چپ» و یا راست، هنگامی که با شوونیزم و خودخواهی عظمت‌طلبانه پیوند پیدا نماید، هر دو خطرناک‌اند.»

لهذا خیال باطلی خواهد بود اگر فکر شود که جنبش مترقی کارگری بدون تضادها و دشواری‌ها تکامل می‌یابد، اکنون مانند چندین دهه قبل، ترقی‌خواهان پیشرو مجبورند که به مبارزهٔ قهرمانانه‌یی، نه تنها علیه بورژوازی و ارتجاع و علیه تیوریسن‌های بورژوازی، بلکه علیه تمایلات اپورتونیستی در داخل صفوف خود، علیه رویزیونیزم و دگماتیزم دست زنند.

اختلاف در میان ترقی‌خواهان پیشرو مسأله جدی است، اما نه بدان معنی که آن‌ها برطرف نکردنی هستند. بر این‌ها غلبه می‌شود و باید بشود، زیرا پیوسته‌گی جنبش جهانی مترقی، شرط اساسی برای پیروزی مبارزه علیه سرمایه‌داری و برای سوسیالیزم می‌باشد.

اختلاف میان ترقی‌خواهان پیشرو در موضوعات تیوری و سیاسی تنها بر مبنای اصول اساسی تیوری مترقی و اصالت بین‌المللی زحمتکشان برطرف شده می‌تواند. اساس این وحدت وفاداری به تیوری علمی، آرمان جنبش سوسیالیستی جهانی، آرمان طبقهٔ کارگر و تمام خلق کارگر است.

(د لومړی مخ پاتې)

زمونږ اتکاءِ ...

دخلک دموکراتیک قوت خپل خبونکی یرغل د داخلی ارتجاع او امپریالیزم پرضد سختوی. من‌جمله دتقلبی، بیپرنسیبو او وحدت ماتونکو خلقیانو مبارزه زمونږ پر ضد شدت او حدت مومی او په دی توګه دارتجاع دعمر نه دوام او دامپریالیزم له تسلط سره مرسته کوی.

مونږ په لوړ أواز اعلام کو چه دافغانستان دخلک دموکراتیک قوت (چه له یو کال ته راپدیخواپه له بیلیدونکی توګه پرچم دهغه دافکارو خپرونکی دی) پخپل له ځلورو کلونو زیات سازمانی ژوند کی، څه اندرونی مبارزی په ډلر کی او څه د باندنی مبارزی په دګرکی (اعم له ایدیولوژیکی، سیاسی او اقتصادی) د مبارزی د مدوجز، او پیچو مو څخه د تخویف تهدید، ترو، حبس او زندان، طرد، د توطیو او دسایسو، تورو نو او کنځلو او دښمنانو دزرګونو ډزو باوجود. په زړورتیا تیر شویدی. مګر ژوندوی او وښیار دی او دهر راز قربانی له منلو سره خپل االدی بخشونکی ضد ارتجاع او ضد امپریالیزم سازمان ته دوام ورکوی او پخپل وروستی بری پخپل انقلابی ماهیت او نوی سیاسی ټیپ سازمان، پخپلو اصولو، دکارګر دطبقی په ایدلوژی، دافغانستان دخلک په دموکراتیک نجات بخشونکی مرام، پخپل دوداو دستور او پخپله سیاسی مشی باندی ټینګ ایمان لری. او دهیڅ داخلی او خارجی ضد خلقی االو ضد ملی قدرت فرمان او دستور به ونه منی او هیڅ داخلی او خارجی ارتجاعی عنصر او قدرته به اجازه ورنکړی چه دهغه په داخلی چاروکی لاس ووهی او فرمان ورکړی چه خپل مستقل، ملی، مترقی وطنپالونکی او انقلابی اصیل هویت چه په اوسنیو شرایطوکی دافغانستان خلک دموکراتیک جریان تر ویارِ جن نوم اوخلکو تر پرچم لاندی مبارزه کوی، بدل ګاندی. همدا راز هیڅاته اجازه نه ورکوی چه دافغانستان دخلک دموکراتیک جریان وبولی.

په پای کی اعلم کو چه دافغانستان دخلک دموکراتیک جریان توده غیږ، دسازمانی، سیاسی او ایدیولوژیک یووالی لپاره، هغو او لوشریفو محافلو او عناصرو ته خلاصه ده چه دداخلی ارتجاع او امپریلیزم دعمالو دتفتین او دسیسی پربنا، دخپل مورنی او اصیل انقلابی جریان څخه لری ساتل شوی یا لری پاتی شویدی خو په صادقانه توګه دافغانستان دخلک دموکراتیک قوت له تګ لاری او زمونږ دپیړی له پرمختلو نکو ارمانونو سره وفادار دی. د دی ترڅنګ غوښتونکو مبارزینو مسلم حق دی چه دخپلو حقوقو او شخصیت له حفظ سره سره، دعلمی نړی لید داصولو او دانتقاد اوپر خان انتقاد په رڼا کی او دمترقی سازمانی موازینو او ددموکراتیک مرکزیت دزرینو اصولو پر منبا، په صمیمانه او رفیقانه فضا کی، دافغانستان دخلک له دموکراتیک جریان سره یو ځای شی او له ارتجاع او امپریالیزم سره په مشترکه جګړه کی ګډون وکړی.

په وراندی د افغانستان د خلک د دموکراتیک قوت تر بری هستونکی پرچم لاندی!

از (ص اول)

اتکاءِ ما ...

مترقی به هم نزدیک می‌شوند و بخصوص در اوضاع و احوال که نیروی دموکراتیک خلق افغانستان حمله کوبنده سیاسی خود را علیه ارتجاع داخلی و امپریالیزم شدت می‌بخشد، من‌جمله مبارزه خلقی‌های دروغین بی‌پرنسیب وحدت شکن علیه ما شدت وحدت کسب می‌کند؛ و به دوام عمر ارتجاع و دوام تسلط امپریالیزم کمک می‌رساند.

ما به بانگ رسا اعلام می‌داریم که نیروی دموکراتیک خلق افغانستان (که از یک سال به این‌طرف جریده پرچم به‌صورت انفکاک ناپذیر ناشر اندیشه‌های انست) طی بیش از چهار سال حیات سازمانی خود، چه در عرصه‌های مبارزه درونی و چه در عرصه مبارزه برونی اعم از ایدیولوژیک، سیاسی و اقتصادی از مد و جزر و پیچ و خم‌های مبارزه (باوجود شانتاژ، تهدید، ترور، حبس و زندان، طرد از کار، توطیه ها و دسایس، اتهامات و دشنام و هزاران شلیک دشمن) دلیرانه گذشته است. ولی زنده و هوشیار است و به پیکار عادلانه رهایی بخش ضد ارتجاع و امپریالیزم با قبول هرگونه قربانی ادامه می‌دهد و به پیروزی اصول خود به ماهیت انقلابی و سازمان سیاسی طراز نوین خود به اصول خود، به ایدیولوژی طبقه کارگر به مرام نجات بخش دموکراتیک خلق افغانستان به راه و روش خود به مشی سیاسی خود ایمان راسخ دارد و از هیچ قدرت ضد خلقی و ضد ملی داخلی و خارجی فرمان و دستور نخواهد داد که در امور داخلی آن مداخله کند و یا دستور دهد تا هویت مستقل اصیل ملی و مترقی و وطن‌پرستانه و انقلابی خود را که در شرایط کنونی زیر نام پرافتخار جریان دموکراتیک خلق افغانستان و تحت پرچم خلق نبرد می‌کند، تغیر دهد. همچنان به هیچ کس اجازه نمی‌دهد که ادعای مالکیت شخصی جریان دموکراتیک خلق قلمداد کند.

در اخیر اعلام می‌داریم که آغوش گرم جریان دموکراتیک خلق افغانستان برای وحدت سازمانی، سیاسی و ایدیولوژیکی بر روی آن محافل و عناصر شریفی که بنا بر تفتین عمال ارتجاع و امپریالیزم از حریان ما در واصل انقلابی خویش دور نگه داشته شده‌اند و همچنان دور مانده‌اند، اما صادقانه به مردم و خط مشی دموکراتیک خلق افغانستان به آرمان‌های پیشرو عصر ما وفادار اند، باز است. حق مسلم این مبارزان ترقی‌خواه است که با حفظ حقوق و شخصیت شان در چوکات اصول جهان‌بینی علمی در تحت پرنسیپ انتقاد و انتقاد از خود و بر اساس موازین سازمان مترقی و اصول زرین مرکزیت دموکراتیک و رد یک فضای صمیمانه و رفیقانه به جریان اصیل دموکراتیک خلق افغانستان بپیوندند و به نبرد مشترک علیه ارتجاع و امپریالیزم بپردازند.

به‌پیش زیر پرچم ظفر آفرین نیروی دموکراتیک خلق افغانستان!

از (ص اول)

برگزاری به اصطلاح ...

محافل حاکمهٔ سیاسی آن حلول نموده، در نظر و عمل، پیوسته آن را علیه دولت‌های ملی مترقی شرق میانه و حاکمیت و تمامیت ارضی این کشورها تحریک و تشجیع می‌کند تا به هر قیمتی که میسر آید این دولت‌ها به سر افتند و جای خود را به دول دست نشانده امپریالیزم خالی نمایند و آنگاه با خیالی راحت (!) به نقشه‌های خاییانه استعماری و استثماری خویش درین گوشه جهان تحقق بخشند.

کمک‌های وسیع امریکا و انگلستان، صدها ملیون دالر امداد نظامی بلاعوض، مقدار معتنابه اسلحه ثقیل، تانک و سایر تجهیزات نظامی و ملیاردها مارک آلمانی به خاطر تقویت، تشجیع و تأیید بازهم بیشتر تجاوزکاران مقامات حاکمه اسراییل، شاهد ادعای ماست.

بی‌جهت نیست که (لیونید مدودکو) همزمان با برگزاری به‌اصطلاح «هفته اسراییل در آلمان غرب » می‌نویسد:

اکنون با صدای نیونازی‌ها، به غرض انتقام‌جویی و تجدید نظر بر سرحدات موجود در اروپا، به قوت بیشتر در آلمان غرب شنیده می‌شود، درحالی‌که بمب‌ها و مرمی‌های توسعه جویان صهیونی که خواب توسعه مرزهای اسراییل را از «فرات تا نیل» می‌بینند، بیش از هر وقت دیگر بر اردن و سویز فرو می‌ریزد، همکاری بین جمهوریت فدرال آلمان و اسراییل فعالانه رشد و انکشاف می‌یابد.

آلمان غرب از سال ۱۹۵۲ به این‌طرف فیاضانه به اسراییل کمک می‌نماید، چنانکه درین مدت دو هزار ملیون دالر (در حدود ۱۵۰ هزار ملیون افغانی) صرف به‌عنوان «غرامات »به اسراییل پرداخته است. این مبلغ به‌مثابه خون‌بهای (!) ملیون‌ها نفر یهودی که به‌وسیلهٔ فاشیست‌ها به شکنجه‌گاه‌ها، کشتارگاه‌ها و اتاق‌های گاز سوق داده شده‌اند (به‌طور که اکنون روشن شده است آن‌هم به موافقت و همکاری برخی از سران صهیونیست صورت گرفته) پرداخته می‌شود. طرفه‌تر این که در پهلوی این‌همه کمک‌های بی‌ریا (!) ساینس دانان آلمان غرب نیز در مراکز هستوی اسراییل مصروف خدمتگزاری (!) می‌باشند.

در اوایل سال ۱۹۶۹ هرمان ابس رییس دویچه بانک «بازدید غیررسمی »از اسراییل به عمل آورد. وی رهبران اسراییل را از آماده‌گی سرمایهٔ آلمان غرب و پشتیبانی رهبران آلمان غرب از سیاست توسعه‌جویانه و تحریکات نظامی آن علیه اعراب اطمینان داد.

نماینده‌گان پارلمان اسراییل باکمال وقاحت و بی‌شرمی، علی‌رغم آن‌که تقریباً نصف نفوس اسراییل نسبت به احیای مجدد نازیزم در آلمان غرب ابراز نگرانی و تشویش می‌نمایند، همکاران تبه کار خود را از بوندستاگ (پارلمان آلمان غرب) صمیمانه در آغوش می‌کشند و هرگز به این نمی‌اندیشند که چنین عملی مانع جدی در راه توسعهٔ مزید و بر ضد مرام صلح است.

با این‌همه، خلق‌های عرب و مردمان صلح‌دوست سراسر جهان به این حقیقت ایمان خلل‌ناپذیر دارند که اسراییل و حامیان امپریالیستی آن به‌صورت قطع درین نبرد محکوم به شکست‌اند، زیرا خلق‌های مبارز عرب اکنون دیگر بیدار شده‌اند و مرز مشخص و تغییر ناپذیری بین دوستان و دشمنان خویش کشیده‌اند و درین مبارزه از حمایت بی‌دریغ کشورهای صلح‌دوست و همهٔ بشریت مترقی برخوردارند.

دردها، شکایتها و اعتراضات خلق

په پکتیا کی د خلکو له صحت

سره لوبی کیږی

د افغانستان د خلک دموکراتیک افکار وخپروونکی، پرچم درنو لیکوالو ته!
د یکتیا د غرنی سیمی د بی‌وزلو او استثمار شویو خلکو په نمایندگی خپل سلامونه دراستوم او هیله کړم چه تاسو به ددی سیمی د بی‌وزلو، بربنډو کارګرو او بزګرو په حمایه کی زمونږ دغه آواز خلکو ته ورسوی:
دوه کاله پخوا د افغانستان حاکمه طبقی د پکتیا په خلکو باندی د خپل رحم او کرم (!) له مخی، په ګردیز کی یوه شفاخانه پرانیستله. په هماغه وخت کی د حکومت یوه ستره نماینده د پکتیا خلکو ته وویل: دا روغتون ستاسو د خدمت لپاره جوړ شویدی او تاسو کولای شی بی له کوم توپیر څخه خپل ناروغان دلته او د هیواد په نورو عصری او مجهزو روغتونونو کی تداوی کوی.
اوس به نو ددی مجهز او عصری (!) روغتون په باب چه د پکتیا د خلکو د صحت چاری یی په غاړه دی، د افغانستان خلکو ته معلومات ورکړو:
۱- یو څه دوا چه د صدقی په توګه له کابل نه دی روغتون ته رالیږل کیږی، د څو تنو حامانو او محلی متنفذینو د کهول د سر، ستونی او ... د تداوی په پلمه له روغتون څخه مخ په تور بازار راوزی او ویلی کیږی.
۲- ځینی داکتران (البته وطنپال داکتران استثنا دی) چه نوی روغتون ته رامقرریږی، په نومړیو ورځو کی د خلکو د جذبولو په منظور مریضانو ته یو څه پیچکاری ورلګوی او څه نا څه جمع او خرج ربانی هم ورسره کوی، خو ځنګه چه بلد شی بیا نو مریضانو ته په متحدالمال ډول هماغه پدری پین پودر او جرمنی سارین ورکوی.
۳- د بنځو لپاره خو اصلاً د رشتی متخصص اوځانګړی ډاکتر نشته، پرستار او نور امکانات خو لا په ځای پریږدی.
۴- د ګردیز د نایبه وو او بنځو روغتونونه چه (۷۰) بستری لری او د پکتیا د لکونو غریبو او رنځورو خلکو لپاره بالکل ناکافی دی – خو سره له دی هم ددی ولایت په مریضانو، نه لورول کیږی او اکثر ناروغان. په په سرایونو، دکانونو او کنډوالو کی شپی تیروی.
۵- د روغتون مریضانو ته د قیمتی دواګانو نسخی ورکول کیږی چه له تور بازار نه بب واخلی او دا ناروغان اکثر د بازار د دواګانو د رانیلو قدرت نلری.
۶- ډیر ځله عاجل ناروغان د شخصی استفادو په ملحوظ له بستر کیدو نه منع کول کیږی او څو ساعته د روغتون دروازی ته پراته وی.
دا خو د هغو خلکو حال دی چه روغتون پیژنی او هغه ته رارسیدای شی، اوس نو د دوی په مقایسه کی د هغو خلکو حال وګوری چه لا تر اوسه شفاخانه نه پیژنی او یا یی د هغی لمنی ته لاس نه ور رسیږی.
د بکتیا زلمیان او منورین پدی ولایت کی د مرض او مړینی له کبله د روغتون او د درمل نشتوالی له کبله او په نتیجه کی د اجتماعی مرستو او ابتدایی امکاناتو د فقدان له کبله د هیواد پر ارتجاعی حاکمه محافلو باندی په کلکه اعتراض کوی.

(س. م. له پکتیا څخه)

اعتراض عده‌یی از اهالی

چهاردهی کابل بر دستگاه حاکمه

به جریده محترم پرچم ارگان نشراتی افکار دموکراتیک خلق افغانستان!
جریدهٔ پرچم که در تنویر افکار عامه و تعمیم دموکراسی رسالت عظیم تاریخی دارد، یگانه جریدهٔ مورد نظر ماست که از بدو حیات خود تا امروز در برابر ارتجاع سیاه مبارزه خود را پیش برده و این مبارزه برای ما قابل درک و آموزنده است. با این ملاحظه ما مردم یک گوشه چهاردهی درد دلی تقدیم کردیم و از شما آرزو می‌کنیم آن را انعکاس دهید.
۱- ما باشنده‌گان نو آباد قلعهٔ میر محبوب، قلعهٔ چتگر، ده قابل، ونچی باغبانان و مهتاب قلعهٔ چهاردهی کابل که یک عده کثیری ما در شهر و پیرامون آن مصروف کار و پیدا کردن نان بخور-نمیر می‌باشیم، علاوه بر تحمیل شرایط سنگین دیگر، به علت محدودیت و فرسوده‌گی بس‌ها و عدم اعتنای بس داران به راحت و حرمت مردم شدیداً دچار تکلیف هستیم. وضع اطفال و جوانان ما که مصروف تحصیل در مکاتب شهرند از ناحیه فقدان وسایل حمل و نقل خیلی رقت‌بارتر است.
۲- سرک مهتاب قلعه که از پل سوخته به بعد تا داخل قریه‌های ما خامه می‌باشد، در اثر غفلت و عدم اعتنای مراجع مربوط به یک سطح پر از چقری‌ها و برآمده‌گی‌ها تبدیل شده و بیش‌تر ازین که خصوصیات راه را داشته باشد، به مانعهٔ خطرناکی شباهت دارد. هنگام تابستان وقتی که خاک‌ها و ریگ‌ها سرک دست به دست هم می‌دهند، خط سرک به تونلی از خاک تبدیل می‌شود، لابد هر رهرو درین راه بیش از ملیون‌ها ذرات خاک آلوده و میکروب را فرو می‌برد.
۳- باوجودی که در این اواخر برق سرشاری تولید و به کابل می‌رسد، ما در زیر چراغ‌های تیلی و در فضای دودآلود آن شب‌ها را به سر می‌بریم. این واضح است که کمپرادوران و هواخواهان ایشان در دستگاه دولت، آرزو ندارند جای تیل خاک و اموال خارجی را برق تولید شده در وطن بگیرد، فلهذا با وصف شکایات و عرایض مکرر ما در زمینه توجه لازمه از طرف شعبات مربوط به عمل نمی‌آید.
از نگارندگان جریدهٔ پرچم خواستاریم تا نسبت مشکلات ما در زمینه‌های سه‌گانهٔ فوق، اعتراض ما را علیه گردانندگان امور دستگاه حاکمه نشر و فریاد ما را به مردم برسانند.

«محل امضاء، مهر و شصت ۱۲۰ نفر از اهالی چهاردهی»

د سره رود د خلک د موټرونو پر ظالمانه کرایه

اعتراض کوی او د ننګرها د ولایت ترافیک محکوموی

د سره رود د موټروانانو مالکان د خلکو د مجبوریت او د ترافیکو د همکاری په وجه له خلکو سره ډیره بیرحمانه وضعه کوی. دوی خپل موټرونه چه د جلالآباد د بنار او سره رود تر منځ چلیږی داسی ډکوی چه په سر او مینځ کی یی د پیښی اینبودلو ځای تش نپاتی کیږی او هره شیبه یی د اوښتو امکان موجود وی.
هغه مریضان چه ددی موټرونو په وسیله د جلال آباد شفاخانو او داکترانو ته ځان رسوی، سخت کړاوونه ګالی.
دا موټرونه له سره رود نه تر جلال آباد پوری پنځه، شپږ او کله له اوه روپی کرایه اخلی.
دا کرایه ټولو خلکو ته بیا په تیره د سره رود هغو زده کونکو ته ډیره ګرانه ده کوم چه د جلال آباد په لیسه کی په زده کړه بوخت دی.
د سره رود اوسیدونکو څوځو ځلی د ننګرهار د ولایت د ترافیکو مدیریت ته او بیا د ننګرهار ولایت ته شکایت وکړ او هغوی خلکو ته وعده ورکړه چه دا وضعه به اصلاح کړی، مګر څنګه چه د موټرونو د خاوندانو او ترافیکو ګټی په خاصو، مواردو کی ګډی دی، د خلکو شکایت ته غوږ نه نیسی او د کراکشانو ظالمانه چال چلند هماغسی دوام لری.
د سره رود خلک له همدی کبله د ننګرهار د ولایت د ترافیکو په اداره او د سره رود د موټرونو په خاوندانو کلک اعتراض کوی او له هغو نه په کلکه غوښتنه کوی چه د خلکو پ ژوند لوبو کولونه لاس واخی.

(ج. ر)

صدای اعتراض معلمین و متعلمین ولایت غزنی علیه اجراآت

خودسرانه معارف آنجا

در جوامع طبقاتی که خلق زحمت کش محکوم و دستخوش هوا و هوس عده محدود مفتخواران جامعه می‌باشد، تمام مسایل اجتماعی حسب دلخواه همین مفتخواران تنظیم و توجیه می‌شود. در همچو جوامع خلق از حقوق و آزادی‌های لازمه محروم می‌شوند روی همین اصل درین اواخر سر زمین باستانی غزنی شاهد وضع رقت‌باری در مورد معلمین و متعلمین شده است. معارف ولایت غزنی یک عده معلمین را علی رغم موافقه‌شان به مناطق مختلف مربوطه خود تقسیم کرده، در حالی که یک عده دیگر را با وصف این که استحقاق و سویه لازم تعلیمی را نداشتند در لیسه ها و متوسطه‌ها جابجا کردند. در تقسیم و تبدیل معلمین حفظ وضع مو جود که بدون شک به نفع گروه ستمگر حاکمه است مطمح نظر قرار گرفته است. آغاز سال تعلیمی در ولایت غزنی با نومیدی عده عظیم معلمین وابسته به طبقات محروم همراه بوده است. فرزندان زحمتکشان که مکاتب ابتدایی را به انجام رسانیده‌اند. امکان تحصیلات بالاتر را از دست دادند؛ عده‌ای که چانس تحصیلات متوسط را به دست آورده‌اند بیشتر مربوط به اقلیت مفتخوار و طبقات بالایی جامعه می‌باشند و همچنانست ترکیب فارغ‌التحصیلانی که فرصت تحصیلات در پوهنتون و مؤسسات عالی تعلیمی را به دست آورده‌اند.
مدیریت معارف ولایت غزنی به‌صورت خاص در تحقق این وضع که کاملاً به ضرر خلق کارگر و بسود استثمار گران است دست دارد. مردم غزنی برین بی‌عدالتی جدا اعتراض می‌کنند.

(کیهان - از غزنی)

اهالی گذرگاه اعتراض می‌کنند!

امسال باز برف‌های کوهستانات آب می‌شود و باران‌های بهاری با این آب‌های یکجا شده دریاها را لبریز می‌سازد و من‌جمله دریای کابل (دریای گذرگاه) را نیز بی‌خود و دیوانه می‌سازد.
باشنده‌گان فلکزدهٔ گذرگاه دوباره گواه ویرانی منازل، تباهی اساس‌البیت و از بین رفتن زنده‌گی یک عدهٔ دیگر خواهند بود.
به آنی که در سال‌های گذشته رحم نکردند، به این قربانیان جدید هم رحم نخواهند کرد.
هنوز خرابی‌های آب خیزی در سال‌های 43، 44 و 46 تلافی نشده و هنوز اهالی گذرگاه از شکایات، عرایض و فریادهای خود به مناسبت تباهی سال‌های متذکره نتیجه‌یی نگرفته‌اند که آبخیزی سال 1347 فرا می‌رسد.
کسانی که زمام حکومت را به دست دارند و مدعی دموکراسی و حکومت قانون هستند، باید درک کنند که در برابر مردم مسؤولیت دارند و مردم جداً متوجه اجراآت و اعمال ایشان‌اند.
باید حکومت متوجه باشد که خانه به دوشان گذرگاه مدت دو سال را در انتظار به سر برده‌اند و دیگر توان و تحمل این شرایط طاقت فرسا را ندارند، باید به این خفت و تحقیر خاتمه داده شود و قناعت مردم زحمتکش گذرگاه فراهم گردد.

(ع)

پول را خوانین خوردند و گندم را دهاقین نادار تحویل می‌دهند

زحمتکشان و دهقانان ولسوالی چاه آب، ضمن تحمل صدها فشار و دسایس متنفذین محلی و خوانین آنجا، امسال شاهد دستبرد و تجاوز تازه‌یی شدند.
در سال ۱۳۴۷، ریاست تهیه مواد خوراکه و ارزاق یک مبلغ پول، به خاطر خریداری گندم به ولسوالی چاه آب فرستاد تا در آنجا یک مقدار گندم را به‌صورت آزادانه خریداری نماید. این پول در آن محل، به همکاری مأمورین مربوطه به گروهی از فیودالان و متنفذین محلی سپرده شد، ایشان آن پول را به‌صورت دوستانه و به‌تناسب قدرت بین خود تقسیم کردند. وقتی که زمان تحویلی گندم فرا رسید آن را به‌صورت بلاعوض و ریزش (شکن-قومی) بر دهقانان محل تحمیل کردند و محصلان شخصی خود را برای تحصیل گندم بر دهقانان گماشتند، چنانچه یک مقدار این گندم جمع آوری شده و متباقی نیز جمع آوری خواهد شد.
این است نمونه‌یی از ستمگری مأموران حکومت و متنفذین محلی!

(م.ا. کارگر)

۱۳۴۷ ...

از (ص اول)

۴۱- میتینگ کارگران سیلوی پلخمری.
در ماه سرطان:
۴۲- تظاهرات کارگران بیکار شهر هرات.
۴۳- اعتصاب شاگردان لیسه جمعیت ولایت میدان.
۴۴- مظاهره شاگردان بنوونځی متوسطه منهاج السراج ولسوالی سرپل ولایت جوزجان.
۴۵- اعتصاب کارگران فابریکه پشمینه بافی قندهار.
۴۶- اعتصاب کارگران انتقال گاز شبرغان.
۴۷- تظاهرات شاگردان کارآموز کورس برمه کاری سرپل ولایت جوزجان.
۴۸- اعتصاب کارگران فابریکه سمنت غوری.
اعتصاب کارگران معدن کرکر.
۴۹- اعتصاب درایوران ترانسپورت متوسطه دهاتی و همچنان گروه انبوهی از دهقانان و پیشه‌وران.
۳۰- میتینگ عظیم کارگران فابریکه سمنت غوری.
۳۱- اعتصاب محصلان پوهنځی تعلیم و تربیه.
۳۲- تظاهرات شاگردان معارف، کارگران، دهقانان و اهالی ولسوالی حضرت امام ولایت کندز.
۳۳- تظاهرات خیابانی شاگردان مکتب متوسطه دختران شبرغان.
۳۴- تظاهرات شاگردان معارف در پنجشیر.
۳۵- اعتصاب کارگران شرکت سپین زر کندز.
۳۶- اعتصاب شاگردان اکادمی تربیه معلم در کابل.
۳۷- اعتصاب شاگردان دارالمعلمین کابل.
۳۸- اعتصاب، تظاهر و راه پیمایی کارگران انتقال گاز در شبرغان.
۳۹- اعتصاب محصلان دارالمعلمین عالی کابل.
۴۰- مظاهرهٔ شاگردان لیسه ابو عبید در فاریاب.
۱۹- اعتصاب کارگران مطبعه معارف یا مؤسسهٔ انتشارات فرانکلن.
۲۰- اعتصابات و تظاهرات شاگردان بنوونځی‌های میخانیکی و صنایع کابل.
۲۱- نهضت اعتصابی و تظاهراتی فابریکه نساجی پلخمری.
۲۲- اعتصاب کارگران شرکت سپین زر کندز.
۲۳- تظاهرات شاگردان دارالمعلمین و لیسه شیر خان در کندز به پشتیبانی از مطالبات کارگران سپین زر.
۲۴- اعتصاب کارگران فابریکه حجاری و نجاری – هوختیف در کابل.
۲۵- اجتماع شاگردان بنوونځی خوشحال خان در کابل.
۲۶- اعتصاب کارگران کارخانجات جنګلک.
۲۷- آغاز نهضت اعتصابی و تظاهراتی فابریکه نساجی ګلبهار.
۲۸- راه پیمایی کارګران پروژه پلخمری-شبرغان.
۲۹- تظاهرات باشکوه و عظیم کارگران نساجی ګلبهار به اشتراک متعلمین لیسه میر مسجدی، بنوونځی پشمینه بافی قندهار.
در ماه عقرب:
۵۹- تظاهرات عظیم و باشکوه محصلان، متعلمان، جوانان و شهریان کابل به مناسبت یادبود روز 3 عقرب.
۶۰- مظاهرهٔ شاندار محصلان، شاگردان و شهریان جلال‌آباد.
۶۱- مظاهرهٔ عظیم شاگردان و شهریان قندهار.
۶۲- مظاهرهٔ بزرگ شاگردان و شهریان هرات.
۶۳- میتینگ‌ها، اعتصابات عمومی و تظاهرات وسیع و بزرگ محصلان پوهنتون کابل و انستیتوت پولی تخنیک و جوانان و شاگردان اعم از دختران و پسران در کابل که برای ۲۴ روز ادامه یافت و با پیروزی شایانی پایان پذیرفت.
۶۴- اعتصابات شاگردان لیسه غازی.
۶۵- اعتصابات کارگران فابریکه نساجی پلخمری.
۶۶- اعتصاب شاگردان و استادان لیسه ولسملان واقع چهار آسیاب کابل.
۶۷- اعتصاب کارگران پروژهٔ زرکشان.
در ماه قوس:
۶۸- اعتصاب مکتب دخترانهٔ سوریا در کابل.
۶۹- میتینگ کارگران فابریکه برق سروبی.
۷۰- اعتصاب کارگران پروژهٔ ساختمانی انکشاف وادی ننګرهار.
در ماه جدی:
۷۱- اعتصاب نرس‌های شفاخانه وزیر اکبر خان در کابل.
۷۲- مظاهرهٔ شاگردان مکتب سروی اراضی در قندهار.
۷۳- اعتصاب کارگران و مأموران میدان بین‌المللی هوایی قندهار.
در ماه دلو:
۷۴- مظاهرهٔ شاگردان لیسه لشکرگاه.
در ماه حوت:
۷۵- اعتصاب و تظاهرات شاگردان لیسه اندخوی و اهالی شهر اندخوی.
۷۶- میتینگ اهالی ولسوالی گذره ولایت هرات.

پرچم

د افغانستان د خلک دموکراتیک ګوند ارګان خپرونکی

۴ حمل ۱۳۴۷

م.ا. خیبر

به مناسبت ۲۱ مارچ روز بین‌المللی اعتراض علیه تبعیض نژادی

تبعیض نژادی

«جنایت امپریالیزم علیه بشریت»

نژاد پرستان و ایدیولوگ‌های امپریالیزم پیوسته سعی می‌نمایند که با اختراع تیوری دروغین عدم تساوی نژادها و موجودیت نژادهای «اعلی »و «ادنی » اساسی را به وجود آوردند که بروی آن ستم طبقاتی، ملی و استعماری را موجه جلوه دهند. آن‌ها می‌کوشند که به‌منظور توجیه اسارت استعماری ملل آسیا، افریقا و امریکای لاتین و تبرئه مظالم و غارتگری استعماری امپریالیست‌ها بشریت را بدو گروه نژادی تقسیم نمایند. نژادی که استعداد رشد مستقل اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی را دارد و نژادهای که فاقد این استعداد می‌باشند. طبق این تیوری غیرعلمی و غیرانسانی باید نژادهای «پست »(مقصد نژادهای غیر اروپای است) برای تغذیه و تنمیه نژاد عالی حیثیت کود را داشته باشند. در نتیجه همین تیوری احمقانه بود که فاشیزم استعمار کشورهای آسیا و افریقا را برای بقای تمدن بشریت، سفید پوست، یک امر طبیعی و ضروری می‌دانست. نژادپرستان قانون تنازع للبقا جهان حیوانات را برای انسان‌ها نیز جایز می‌دانند و جنگ وحشیانه به‌منظور بقای صالح‌تر و شایسته‌تر مورد تایید آن‌ها می‌باشد و بدین طریق جنگ و خونریزی بین ملت‌ها را نیز روا می‌شمارند. آن‌ها معتقدند که نژاد «برتر »حق حاکمیت بر نژادهای «پست »را دارد و بروی همین اساس است که حکومات نژاد پرست اقلیت‌های سفید پوست اروپایی در افریقای جنوبی و رودیشیا و استعمارگران پرتگالی در انگولا، موزنبیق و دیگر مستعمرات خویش علی رغم اعتراضات مکرر موسسه ملل متحد و افکار عامه جهان به خود حق می‌دهند ملیون‌ها انسان بومی غیراروپایی را در سرزمین‌های که اصلاً به آن‌ها تعلق ندارد، مورد زجر، شکنجه، استبداد و استعمار بی‌رحمانه و غیرانسانی قرار دهند.

به تأسی از این سیاست جنایت کارانه امپریالیستی و ارتجاعی است که بیش از ۲۰ ملیون سیاه پوست در امریکا این بزرگ‌ترین و نیرومندترین کشور جهان «آزاد »در انتهای فقر و بدبختی، تبعیض و توهین بسر می‌برند و رهبران آن‌ها ترور می‌شوند. نژادی ...، فجایع شیکاگو، الاباما و دیگر ایالات امریکا لکه ننگیست بر دامان نژاد پرستان و امپریالیزم امریکا.

پیروزی از سیاست منحوس و نفرت انگیز تبعیض نژادی نه تنها باعث آن شده که در داخل رودیشیا و افریقای جنوبی رژیم ترور و اختناق روی کار آید. بلکه کشورهای مذکور به‌مثابه پایگاه ارتجاع و تکیه گاه ضد انقلاب، ضد عدالت اجتماعی و ضد کرانت انسانی خطر بزرگی را برای دیگر کشورهای مستقل ملی افریقا و صلح و امنیت جهان به وجود آورند. دانش مترقی تمام تیوری‌های دروغین نابرابری نژادی را که ساخته و بافته اندیشه‌های ایدیولوگ‌های امپریالیزم می‌باشد، جنگ و خونریزی، نفرت و نفاق بین ملت‌ها را تشدید می‌نماید، از ریشه رد می‌کند. علم و تجربه به اثبات رسانیده که تمام نژادهای معاصر و تمام ملت‌ها از نظر استعدادهای ذهنی و فکری باهم مشابه‌اند و همه آن‌ها بدون استثنا استعداد آن را دارند که فرهنگ و دانش ... مترقی را رشد دهند و در انکشاف تمدن بشری فعالانه سهم بگیرند.

تطبیقات و تجربه آن عده از کشورهای آسیا، اروپا و امریکای لاتین که مصروف ساختمان سوسیالیزم اند و تمام افراد آن بدون در نظر گرفتن ملیت با نژاد آن‌ها، در تمام ساحه‌های اقتصادی، دولتی، فرهنگی و حیات اجتماعی و سیاسی حیثیت مساوی دارند. محدودیت‌ها و امتیازات تحت هر عنوان مستقیم یا غیرمستقیم برای اتباع آن‌ها وجود ندارد و هر نوع تبلیغ استثنا طلبی ملی، نژادی، نفرت و توهین بر اساس ملیت و نژاد قابل مجازات است و هکذا رشد اقتصادی و فرهنگی و سیاسی دولت‌های چون آسیا، افریقا و امریکای لاتین نشان داد که تمام ملت‌ها و کلیه خلق‌های جهان، قطع نظر از رنگ پوست و دیگر خصوصیات نژادی‌شان، استعدادهای مشابهی در به وجود آوردن ارزش‌های مادی و معنوی دارند.

نیروی دموکراتیک خلق افغانستان به مناسبت ۲۱ مارچ روز بین‌المللی اعتراض علیه تبعیض نژادی اعتراض، انزجار و تنفر عمیق خود را بر ضد سیاست منفور تبعیض نژادی اعلان می‌دارد؛ و پیکار عادلانه و مقدس خویش را دوشادوش دیگر نیروهای مترقی و صلح دوست جهان در راه برابری و برادری، آزادی و رهایی تمام نژادها و ملت‌ها و بالاخره تمام بشریت از اسارت استعمار، استثمار و تبعیض تا سرحد پیروزی نهایی ادامه خواهد داد.

اجتماع اهالی زحمتکش ولسوالی گذره

ولایت هرات

به غرض تأمین وسایل تحصیلات بالاتر از دوره ابتدایی

خبرنگار پرچم از ولسوالی گذره ولایت هرات اطلاع می‌دهد که بروز ۱۲ حوت ۱۳۴۷ اهالی گذره در مرکز ولسوالی میتینگ بزرگی تشکیل دادند و هدف این اجتماع اعتراض اهالی بر عدم اعتنای مقامات حاکمه سرنوشت فرزندان شان در زمینه تأمین وسایل ادامه تحصیلات بالاتر و همچنان تقاضای ازدیاد صنوف بالاتر از دوره ابتدایی در... آن ولسوالی بود.

از سال‌ها به این‌طرف فارغان صنوف ششم مکاتب ابتدایی بدون سرنوشت می‌مانند و با ینان مجال و فرصت تحصیلات بالاتر وجود ندارد؛ مثلاً تا کنون از جمله ۲۰۰ تا ۲۵۰ فارغ صنوف ششم صرف به ۳۰ تا ۳۵ نفر ایشان در یگانه صنف ۷ ... ابتدایی گذره (وزیر فتح خان) موقع ادامه تحصیل داده شده، آن‌هم بعد از به‌اصطلاح امتحان کانکور که بیشتر جنبه عوام‌فریبانه دارد، نه تشخیص بدون تبعیض و غیر توطیه آمیز استعداد فرزندان واقعاً مستحق خلق معارف دوست آن ولسوالی.

در این اجتماع مردم جدا تقاضا می‌کردند که پروگرام‌های درسی ثمر بخش گردد و صنوف بالاتر دیگر در ... مرکز ولسوالی اضافه شود تا فرزندان شان بیشتر و بی سرنوشت نمانند. این اجتماع که در حدود بیشتر از یک هزار نفر اشتراک کننده داشت به ساعت ۹ و ۳۰ دقیقه قبل از ظهر آغاز و ضمن بیانیه‌های پرجوش و با حرارت که به‌وسیله اهالی و جوانان وطن‌پرست ولسوالی ایراد گردید، ادامه داشت.

استقامت و پایه داری دهقانان و جوانان مبارز ولسوالی را مجبور ساخت تا با این خواست قانونی مردم وقعی گذاشته از آنان درخواست کند که به غرض مفاهمه با ولایت هرات نمایندگانی انتخاب و معرفی نمایند.

در پایان مردم تصمیم گرفتند که تا برآورده شدن مطالبات خویش در این زمینه به مبارزات خود ادامه دهند.

اطلاع تازه می‌رساند که فارغان صنوف ششم ولسوالی گذره به همراهی پدران دهقان شان به‌صورت مظاهره مسالمت آمیز به‌سوی شهر هرات شتافتند ولی با مداخله ضد قانونی پولیس مواجه گردیدند. قرار معلوم عبدالعلی کارگر، غلام سخی دهقان و غلام فاروق محصل به شکل خودسرانه‌یی از طرف پولیس گرفتار گردیدند.

راپور مفصل این حادثه بعد از وصول اخبار موثق تقدیم خواهد شد.

* * *

خبرنگار علاوه می‌کند که مردم ولسوالی گذره از فقدان وسایل کافی و راحت حمل و نقل مردم به ولایت هرات نیز محروم‌اند. آنان چندی قبل به غرض رفع این مشکل اساسی خویش به شاروالی ولایت هرات مراجعه کردند که به خاطر تأمین راحت مردم خط سیر سه عراده سرویس مربوط خود را از هوتل هرات و پارک ظاهر شاهی با گذره امتداد دهد و بدین‌وسیله حداقل خدمتی به این خلق ستمکش بنمایند. ولی شاروالی هرات به مردم جواب داد که بس‌های مذکور برای انتقال امریکایان مقیم هرات خدمت می‌نماید و بکار مردم ما پرداخته نمی‌توانند.

اعلامیه مشترک کمیته مشاورتی سیاسی

کشورهای عضو پیمان وارسا

آژانس تاس از بوداپست اطلاع می‌دهد: «کمیته مشاورتی سیاسی کشورهای عضو پیمان وارسا- پیمان دوستی، همکاری و امداد متقابل به تاریخ ۱۷ مارچ ۱۹۶۹ در بوداپست تشکیل جلسه داد. در این کنفرانس کشورهای بلغاریا، مجارستان، المان شرق، پولند، رومانیا، اتحاد شوروی و چکوسلواکیا اشتراک داشتند.

کمیته مشورتی سیاسی راپور قوماندان عمومی قوای پیمان وارسا را که از طرف وزرای دفاع به تصویب حکومات مربوط ترتیب گردیده بود، استماع نمود...

دولت‌های شامل جلسه با اعتماد راسخ اظهار داشتند که فیصله‌های اتخاذ شده نیروی دفاعی کشورهای سوسیالیستی عضو پیمان وارسا را به نفع مرام سوسیالیزم، مرام صلح و امنیت در اروپا و سراسر جهان تقویت خواهد نمود.

کشورهای عضو پیمان وارسا به ادامه مساعی‌شان در راه تخفیف کشیدگی و تحکیم صلح به‌اتفاق آرا پیامی را عنوانی تمام کشورهای اروپایی به غرض بحث روی مسایل امنیت و همکاری در اروپا به تصویب رسانیدند.

در پیام گفته شده است که «چنین کنفرانس با منافع تمام دول اروپای مطابق خواهد بود. ای کنفرانس امکان پیدا نمود طرق و وسایلی را به وجود خواهد آورد که منجر به از بین بردن تقسیم اروپا به بلاک‌های نظامی گردد و همکاری بین دولت‌ها و خلق‌های اروپا را تحقیق بخشید»

در پیام تأکید می‌شود که امکانات واقعی برای دایر شدن همچو کنفرانس وجود دارد. «اگر کسی طرفدار تقویه صلح باشد هیچ دلیلی برای به تعویق انداختن انعقاد کنفرانس عمومی اروپایی وجود ندارد.»

در پیام گفته می‌شود که کشورهای عضو پیمان وارسا وظیفه خود می‌دانند تا اروپا را از خطر تصادمات جدید نظامی محفوظ نگهدارند. عرصه وسیعی را برای انکشاف همکاری بین تمام کشورهای اروپایی، صرف نظر از نظام اجتماعی‌شان بر اساس اصول همزیستی مسالمت آمیز باز نمایند. کشورهای عضو پیمان وارسا بار دیگر پیشنهادهای خود را که هدف آن جلو گیری از ادامه تقسیم جهان به دسته بندی‌های نظامی مسابقه تسلیحاتی و تهدیدات ناشی از آن برای صلح و امنیت ملت‌ها و دیگر اقدامات و تدابیر مندرج در اعلامیه راجع به تقویه صلح و امنیت در اروپا که در سال ۱۹۶۶ در بخارست اتخاذ گردید، تکرار می‌نمایند »اشتراک کنندگان در جلسه بوداپست تأکید کردند که «یکی از شرایط قبلی عمده حفظ امنیت در اروپا تغیر ناپذیری سرحدات موجود در اروپا به شمول سرحدات موجود در اروپا به شمول سرحدات ...و همچنان سرحدات بین جمهوریت دموکراتیک المان و جمهوری فدرال المان، شناسایی موجودیت جمهوریت دموکراتیک المان و جمهوری فدرال المان و دست برداشتن المان فدرال از ادعای نمایندگی تمام ملت المان و داشتن اسلحه هستوی به هر شکل و اندازه آن می‌باشد. برلین غرب وضع خاصی دارد که متعلق به آلمان غرب نیست.»

کشورهای عضو پیمان وارسا صادقانه از تمام کشورهای اروپایی درخواست نمودند که فضای اعتماد را تقویت بخشند، از هر عملی که فضای اعتماد بین دولت‌ها را مسموم کند خودداری نمایند، و مساعی‌شان را متحد سازند تا اروپا یک قارهٔ همکاری مثمر بین ملل متساوی الحقوق، یک عامل استقرار صلح و تفاهم متقابل در سراسر جهان باشد.»

* * *

نتایج کنفرانس بوداپست و تبصرهٔ بر آن، در هفته گذشته سر لوحهٔ مطبوعات جهان را تشکیل می‌داد.

ارگان حزب کارگر سویس متن کامل کنفرانس بوداپست را نشر و در مقدمهٔ آن تأکید می‌کند که «ملت‌های پیمان وارسا تمام کشورهای اروپایی را به صلح و امنیت دعوت می‌دهد.»

مطبوعات لندن به پیام کشورهای عضو پیمان وارسا توجه زیادی مبذول داشته و در آن به‌طور خاصی تأکید شده است که ملت‌های پیمان وارسا از کشورهای اروپایی دعوت می‌کنند که در صلح زندگی به سر برند و مسایل‌شان را از طریق مذاکره حل کنند، تا استعمال قوه یا تهدید به استعمال قوه. دعوت کنفرانس عمومی اروپایی به غرض صلح‌جویانه نیز قابل قدر است.

مطبوعات و رادیوی بلژیک نیز به نتایج جلسهٔ کمیتهٔ مشاورتی سیاسی پیمان وارسا علاقه فراوان گرفته است. روزنامه (سایت) و سایر جراید آن کشور توجه خاصی به دعوت کنفرانس عمومی اروپایی به غرض بحث روی مسایل امنیت اروپا و زیست باهمی مبذول داشته‌اند.

در مطبوعات ایتالیا نیز تبصره‌های مثبتی راجع به نتایج این جلسه صورت گرفته است و همچنان پیام کنفرانس مزبور در عدهٔ زیادی از مطبوعات جهان انعکاس یافته و مورد تبصره قرار گرفته است.

آمادگی برای جلسه بین‌المللی احزاب کمونیستی و کارگری

آژانس نووستی اطلاع می‌دهد که آمادگی برای جلسه بین‌المللی احزاب کمونیست و کارگری به مرحله مهمی وارد گردیده است. هیأت عاملی که به غرض تهیه مواد جلسه تشکیل گردیده جلسات خود را به تاریخ ۱۰ مارچ در مسکو آغاز نمد. هیئت‌های نمایندگی ۳۳ حزب وارد مسکو شده‌اند و هم ترکیب هیأت نمایندگی شوروی که در جلسات مسکو اشتراک خواهد ورزید اعلان گردید.

این یک واقعه مهم است وظیفه جلسه بین‌المللی آینده احزاب کمونیست و کارگری اینست که مساعی تمام احزاب برادر مبارزه مشترک شان علیه امپریالیزم انسجام بخشد. این امر به‌طور کلی با منافع بشریت مطابقت دارد. تحریکات سیاسی امپریالیستی صلح و امنیت جهان را به خطر می‌اندازد. تنها یک یادآوری از نقاط داغ جهان نیز تشویش آور است. احیای نازی در المان غرب توسعه تجاوزات امپریالیستی امریکا در ویتنام سیاست میلیتاریزم روز افزون اسراییل و تحریکات نظامی ماوویستی در سرحدات شوروی، خطرات جدی بار میاورد. این تنها مشتی از حقایق است که تمام قاره‌ها را مشوش می‌سازد. ذخایر اسلحه بلاک تجاوز کار ناتو رو به افزایش است. در حالی که سویه زندگی کارگران به‌طور عمده بنا بر مصارف نظامی و حرص و انحصارگران سقوط می‌نماید.

جنبش اعتصابی در ایالات متحده، بریتانیه، فرانسه، ایتالیا و بلجیم اوج می‌گیرد. مبارزه طبقاتی در کشورهای سرمایه‌داری رشد می‌نماید. احزاب کمونیست و کارگر مسایل حل طلب زیادی در پیشرو دارند که مهم‌ترین آن مبارزه خلق کارگر برای آینده بهتر و مبارزه علیه امپریالیزم می‌باشد.

پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

هره دوشنبه خپریږی

دامتیاز خاوند او مسؤول مدیر:
سلیمان لایق
آدرس: زرلښت مارکیت - محمد جانخان واټ. کابل - افغانستان
تیلفون: ۲۳۱۶۴

د اشتراک بیه
په کابل کښی د کال: ۱۲۵ - افغانی
په ولایاتو او پښتونستان کښی د کال : ۱۴۰ افغانی
په باندنیو هیوادو کښی: ۱۵ دالر
د جاری حساب نمبر به پښتنی تجارتی بانک کښی ۳۸۵۳

د یوه گنی بیه: ۲/۵ افغانی

تایپ متن و ویرایش جدید: عمر فیض

(مطبعه دولتی)

پـــرچـــم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

برای سال (۱۳۴۸) در مرکز کابل به دفتر جریده و در ولایات کشور به حساب جاری (۳۸۵۳) د پښتنی تجارتی بانک مشترک می پذیرد.